

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته

به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

ایجاد شک در نبوت

۹

دارا بودن مله‌ارت؟

۲۵ اسفند ۱۳۸۹

۱۱ ربیع الثانی ۱۴۳۲

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است



« الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين » .

قال الله تبارك وتعالى :

﴿ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا ﴾^(۱) .

خداوند فقط می خواهد پلیدی (گناه) را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد .

چکیده‌ی سخن

بحث در آیه ی تطهیر ، به تفسیر فخر رازی و زمخشری ، دو عالم بزرگ در میان علمای مکتب خلافت ، و نقل قول آنها مبنی بر اینکه « اهل بیت » تمامی همسران رسول خدا ﷺ و فرزندان و بستگان نزدیک ایشان ﷺ را شامل می شود ، منتهی شد .

در جلسات قبل ، چند سؤال در برابر این دو مفسر اهل سنت قرار داده و روشن ساختیم که آنها قدرت ارایه جواب این سؤالات را ندارند و در نتیجه امکان ندارد که

۱. سورة احزاب، آیه ۳۳.

« آیه ی تطهیر » به جز خمسه ی طیبه صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، شخص یا اشخاص دیگری را شامل باشد.

یکی از آن سؤالات این بود که معنای آیه ی تطهیر، بر اساس تفسیر زمخشری و فخر رازی، این گونه خواهد بود که خداوند متعال پلیدی را از « اهل بیت » برداشته و ایشان را با نور عصمت پاکیزه و مطهر کرده است؛ بنابراین افرادی که مشمول این آیه هستند، بعد از رسیدن به این درجه، هرگز نباید مرتکب هیچ گناه و خلافی شده باشند؛ اگر چنین است، پس چرا خداوند متعال، رسول بزرگوار اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را در سوره ی مبارک تحریم، مورد خطاب قرار داده و می فرماید:

﴿ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ نُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاتَ أَزْوَاجِكَ
وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴾^(۱).

ای پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ! چرا چیزی را که خدا بر تو حلال کرده به خاطر جلب رضایت همسرانت بر خود حرام می کنی؟! و خداوند آمرزنده و رحیم است.

این زنان که در کتب معتبر مکتب خلافت از جمله صحیح بخاری، صحیح مسلم، مسند احمد، سنن نسائی و سنن ترمذی، نام آنها صریحاً ذکر شده است^(۲)، عایشه دختر ابوبکر و حفصه دختر عمر بن خطاب می باشند که رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را آزار و اذیت نموده، ایشان صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را به غضب و خشم آوردند و سرشان صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را فاش کردند. این دوزن، طبق تصریح قرآن کریم به همسران

۱. سوره تحریم، آیه ۱.

۲. برای یافتن منابع به جزوه ی ۱۳۳ مراجعه نمایید.

حضرت نوح و حضرت لوط عَلَيْهِمَا السَّلَامُ تشبیه شده‌اند و به رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خیانت کردند.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأةَ نُوحٍ وَامْرَأةَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّاخِلِينَ﴾^(۱).

خداوند برای کسانی که کافر شده‌اند، به همسر نوح و همسر لوط مثل زده است، آن دو تحت سرپرستی دو بنده از بندگان صالح ما بودند، ولی به آن دو خیانت کردند و ارتباط با این دو (پیامبر) سودی به حالشان (در برابر عذاب الهی) نداشت و به آنها گفته شد: وارد آتش شوید همراه کسانی که وارد می‌شوند!

در جلسه‌ی قبل، مواردی از خیانت این دو همسر پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، از جمله رفتار ناشایست آنها در ماجرای «ماریه قبطیه» را بیان کردیم^(۲).

یکی دیگر از موارد خیانت این دو زن که نقل کردیم، این بود که پس از آن که رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با زنی از طایفه یهود، که جزو کنیزان به غنیمت گرفته شده بود، ازدواج کردند، عایشه و حفصه، آن کنیز را آرایش کرده و به او گفتند: وقتی پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر تو وارد شد، به ایشان صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بگو: «من از تو به خدا پناه می‌برم». عایشه و حفصه، این جمله را موجب خوشحالی رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قلمداد کردند. او

۱. همان، آیه ۱۰.

۲. رجوع کنید به جزوه‌ی ۱۳۳.

نیز چنین کرد. رسول الله ﷺ در جواب وی فرمودند: من نیز تو را در پناه خدا قرار دادم و دستور دادند او را به سوی خانواده اش بازگردانند^(۱).

این روایات، در کتب و منابع مورد اعتماد اهل سنت، مانند صحیح بخاری که اهل سنت آن را «اخو القرآن» و صحیح مسلم که آن را «اخت القرآن» می دانند و یا مستدرک حاکم و کتب دیگر آنها وارد شده است و هرگز قابل انکار نخواهند بود. یکی دیگر از نکاتی که در جلسه ی قبل به آن اشاره شد، این بود که عایشه، هیچ اعتقادی به نبوت و رسالت پیامبر اسلام ﷺ نداشت و اصلاً این مسأله را باور نکرده بود و به همین دلیل هرگاه عصبانی می شد، با حالتی تمسخرآمیز به رسول الله ﷺ چنین می گفت:

«أنت الذي تزعم أنك رسول الله؟!»^(۲).

تو هستی که خیال می کنی رسول خدا هستی!؟

ناگفته پیداست که اگر کسی به مطلبی باور و یقین داشته باشد، این گونه با حالتی تمسخرآمیز و با استفهام انکاری از ثبوت آن پرسش نمی کند.

بنابر روایت دیگری، عایشه پا را فراتر نهاده و مقام ربوبیت حضرت رب العالمین را زیر سؤال برده است. او چنین می گوید:

«كنت أغار على اللاتي وهبن أنفسهن لرسول الله ﷺ وأقول:

اتَّهَب المرأة نفسها؟ فلما أنزل الله تعالى: ﴿ تُرْجِي مَنْ تَشَاءُ مِنْهُنَّ

۱. از منابع اهل سنت: مستدرک حاکم، جلد ۴، صفحه ۳۷؛ تاریخ یعقوبی، جلد ۲، صفحه ۸۶.
 ۲. الغدير، جلد ۱۱، صفحه ۱۶۳؛ از منابع اهل سنت: فيض القدير، جلد ۳؛ صفحه ۶۶۱؛ إحياء علوم الدين، جلد ۲، صفحه ۲۹.

وَتُؤْوِي إِلَيْكَ مَن تَشَاءُ وَمَنِ ابْتَغَيْتَ مِمَّنْ عَزَلْتَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكَ ﴿١﴾ ۱۳۵

قلت: ما أرى ربك ألا يسارع في هواك» (۲).

من نسبت به زنانی که خودشان را به رسول خدا ﷺ هبه می کردند (۳) غیرت داشتم، و می گفتم: آیا می شود زنی خودش را به کسی ببخشد؟! پس زمانی که خداوند متعال این آیه را نازل کرد: «(موعد) هر یک از همسرانت را بخواهی می توانی به تأخیر اندازی، و هر کدام را بخواهی نزد خود جای دهی؛ و هرگاه بعضی از آنان را که برکنار ساخته ای بخواهی نزد خود جای دهی، گناهی بر تو نیست»؛ گفتم: نمی بینم پروردگارت را که در هوی و هوس تو شتاب نکند.

توجیه گفتار عایشه و نقد آن

یکی از شروحنی که بر کتاب «صحیح بخاری» نوشته شده است، «فتح الباری» نام دارد و تألیف «ابن حجر» می باشد. ابن حجر در این کتاب از قرطبی چنین نقل می کند: از آن جاکه پیامبر خدا ﷺ هیچ سخنی از روی هوای نفس نمی گویند و تمام سخنان ایشان ﷺ وحی الهی است، چنانچه خداوند متعال می فرماید:

﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ۗ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾ (۴).

۱. سوره احزاب، آیه ۵۱.

۲. از منابع اهل سنت: صحیح بخاری، جلد ۶، صفحه ۲۴؛ صحیح مسلم، جلد ۴، صفحه ۱۷۴؛ سنن نسائی، جلد ۶، صفحه ۵۴.

۳. یکی از امتیازات خاص پیامبر ﷺ این بود که اگر زنی خودش را به ایشان ﷺ هبه می کرد و می بخشید، به ایشان ﷺ محرم می شد.

۴. سوره نجم، آیه ۳ و ۴.

و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی گوید * آنچه می گوید چیزی جز وحی که بر او نازل شده نیست.

بنابراین همراهی خدا با پیامبر ﷺ، تأیید کار ایشان ﷺ و تسرع در انجام تمایلات ایشان ﷺ، هیچ کدام از اموری نیست که مبتلا به اشکال باشد، چرا که هوی و هوس و نفسانیات ایشان ﷺ معقول و مشروع است و شیطانی نیست، و عایشه هم این مطلب را می دانسته، لذا طعنی بر او وارد نیست که چنین سخن گفته باشد!!

قرطبی در ادامه می گوید:

« حملت عائشة على هذا التقيح ، الغيرة التي طبعت عليها النساء ؛

آنچه عایشه را بر این تقبیح و سرزنش خدا و رسول اش ﷺ وادار کرد، غیرتی است که در طبیعت همه زن ها قرار دارد.

قرطبی، همچنین گفته ی عایشه درباره ی مسارعت و شتاب خداوند در هوی و هوس پیامبر ﷺ را، به مسارعت در رضا و خشنودی پیامبر ﷺ تفسیر کرده و می گوید:

« إني لأرى ربك يسارع لك في هواك ، أي في رضاك »^(۱).

همانا می بینم پروردگارت را که در هوای تو شتاب می کند، یعنی در رضایت و خشنودی تو شتاب می کند.

برای تحلیل و نقد کلمات قرطبی، باید گفت: اگر کسی واقعاً خدا و رسول اش را باور داشته باشد، اگر کسی واقعاً به خدا و رسولش ایمان داشته باشد، قرآن و وحی

۱. از منابع اهل سنت: فتح الباری، جلد ۹، صفحه ۱۴۲.

۱۳۵ الهی را باور کرده باشد، دیگر در مقابل احکام و قوانین شرع مقدس نخواهد ایستاد. اگر حکمی هم در شریعت بر خلاف میل و طبعش نازل شده باشد، همچون روزه ماه مبارک رمضان، در روزهای طولانی تابستان، برای کسی که بخواهد در این روزهای گرم کارهای طاقت فرسا انجام بدهد، باز معترض به حکم الهی نخواهد بود. اولیای الهی چنین حالتی دارند و در همه حال تسلیم اوامر الهی می‌باشند. خداوند تبارک و تعالی به حضرت ابراهیم خلیل الرحمان علیه السلام امر فرمود که فرزندت را قربانی کن! ایشان علیه السلام هم بدون درنگ و باکمال اشتیاق، دست فرزندش را گرفته و او را به قتلگاه آورد. حضرت اسماعیل علیه السلام که می‌دانست کشته می‌شود، خدمت پدرش عرض کرد:

﴿ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ ﴾^(۱).

پدرم! هر چه دستور داری اجرا کن، به خواست خدا مرا از صابران خواهی یافت.

حضرت زینب کبری علیه السلام نیز با اینکه دارای مقام رسالت و امامت نبودند، ولی تسلیم محض اوامر ربوبی و دارای مرتبه‌ی عالی صبر بودند؛ چنانچه وقتی از ایشان علیه السلام از آنچه در کربلا گذشته بود سؤال کردند، فرمودند:

« ما رأيت إلا جميلاً »^(۲).

جز زیبایی چیزی ندیدم.

بنابراین، این سخن عایشه که خدا مطابق میل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رفتار می‌کند و آیه

۱. سوره صافات، آیه ۱۰۲.

۲. بحار الأنوار، جلد ۴۵، صفحه ۱۱۶؛ اللهوف في قتلى الطفوف، صفحه ۹۴.

نازل می نماید - که به تعبیر قرطبی تقبیح حکم خدا و رسول خدا ﷺ است - ریشه در بی اعتقادی و بی ایمانی او دارد .

نکته‌ی قابل توجه در اینجا ، آن است که با دقت در سخنان قرطبی می توان تناقض در میان آنها را دریافت ، و آن اینکه او طبق این سخنان ، باید قایل باشد که تمام کردار و رفتار پیامبر ﷺ مطابق وحی است و ایشان هیچ گاه مطابق میل و هوی و هوس خود عمل نمی کنند ، حتی در غیر تلقی و دریافت وحی ؛ حال آنکه اهل سنت معتقدند این که رسول خدا ﷺ از روی هوی و هوس عمل نمی کنند و سخن نمی گویند ، فقط در دریافت وحی است و گرنه ممکن است سایر کارهای ایشان ﷺ اشتباه باشد و خطا و لغزش در آنها راه پیدا کند .

طبق نظر قرطبی که پیامبر ﷺ را مطلقاً حتی در غیر دریافت وحی مصون از خطا و لغزش می داند ، از او می پرسیم : دلیل تجزّی عمر بن خطاب و نسبت هزبان دادن او به پیامبر اسلام ﷺ در لحظات آخر عمر ایشان ﷺ چه بود ؟^(۱) مگر نه این است که خداوند متعال درباره‌ی پیامبر ﷺ می فرماید :

﴿ وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ۗ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ ﴾^(۲) .

و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی گوید * آنچه می گوید چیزی جز وحی که بر او نازل شده نیست .

البته این مورد اولین تناقض و آخرین آن نخواهد بود ، چراکه اهل سنت در میان اعتقادات خود ، به تناقضات عجیبی مبتلا هستند که بسیاری از آنها را علمای تشیع

۱۰ . ۱ . از منابع اهل سنت : الطبقات الکبری ، جلد ۲ ، صفحه ۲۴۲ ؛ فتح الباری ، جلد ۸ ، صفحه ۱۰۱ .
۲ . سوره نجم ، آیه ۳ و ۴ .

بیان کرده و بسیاری هم بیان نشده و باید گفته شود. در ضرب المثلی آمده است: «کم تَرَكَ الْأَوَّلَ لِلْآخِرِ»^(۱)؛ چه بسیار مواردی که گذشتگان برای دیگران باقی گذاشته‌اند.

عدم اعتقاد عایشه به رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

انسان مسلمان حتی اگر در مراتب پایین ایمان جای داشته باشد و حضور پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و معصوم عَلَيْهِ السَّلَام را هم درک نکرده باشد، به خود اجازه نمی‌دهد از خدا و رسول اش صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اوامر و دستورات ایشان صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خشمگین و غضبناک شود.

نتیجه آن می‌شود که عایشه، که در حضور منبع سرشار و حی بوده، از این فرصت بهره‌نجنسته و شخصیت و جایگاه عظیم پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را آن گونه که باید نشناخته است؛ زیرا او به خودش اجازه می‌دهد از احکام الهی ناراحت و ناخرسند باشد!

خشم و غضب عایشه، حاکی از بی‌ایمانی، لا ابالی‌گری و ترجیح تمایلات و نفسانیات او بر فرامین خدا و رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است. خداوند متعال، نشانه ایمان را گردن نهادن در مقابل حکم رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دانسته و می‌فرماید:

﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا

فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾^(۲).

به پروردگارت سوگند که آنها مؤمن نخواهند بود، مگر اینکه در اختلافات خود، تو را به داوری طلبند؛ و سپس از داوری تو، در دل خود احساس ناراحتی نکنند؛ و کاملاً تسلیم باشند.

۱. بحار الأنوار، جلد ۴۳، صفحه ۳۶۹.

۲. سوره نساء، آیه ۶۵.

یکی دیگر از روایاتی که بی‌ایمانی و بی‌اعتقادی عایشه را به رسول خدا ﷺ نشان می‌دهد، روایت ذیل است. عایشه می‌گوید:

«قال رسول الله ﷺ: إني لأعرف غضبك ورضاك، قالت: قلت: وكيف تعرف ذلك يا رسول الله ﷺ؟ قال: إنك إذا كنت راضية، قلت: بلى ورب محمد ﷺ! وإذا كنت ساخطة، قلت: لا ورب إبراهيم عليه السلام، قالت: قلت: أجل، لا أهجر إلا اسمك»^(۱).

رسول خدا ﷺ فرمودند: من زمان خشم و خشنودی تو را می‌دانم، عایشه می‌گوید: گفتم: ای رسول خدا ﷺ! چطور به این مطلب آگاهی داری؟ فرمودند: تو زمانی که خوشحال باشی، می‌گویی: بله، قسم به خدای محمد ﷺ! اما اگر ناراحت و خشمگین باشی، می‌گویی: نه، قسم به خدای ابراهیم علیه السلام! عایشه می‌گوید: گفتم: بله، من زیاد نام شما را فراموش می‌کنم و از یاد می‌برم.

از دیگر مواردی که عدم شناخت عایشه نسبت به مقام رسول الله ﷺ را نشان می‌دهد، ماجرای اختلافی است که او با آن حضرت ﷺ پیدا کرد. ماجرا از این قرار است:

«جری بينه وبين عائشة كلامٌ، حتى أدخلها بينهما أبابكر حكما، واستشهده، فقال لها رسول الله ﷺ: تكلمين أو أتكلم؟ فقالت: بل تكلم أنت، ولا تقل إلا حقاً، فلطمها أبوبكر حتى دمی فوها وقال: يا عدیة نفسها! أو يقول غير الحق؟!»^(۲).

۱. از منابع اهل سنت: صحیح بخاری، جلد ۷، صفحه ۹۱؛ عمدة القاری، جلد ۲۲، صفحه ۱۴۴.
 ۲. مؤتمر علماء بغداد، پاورقی صفحه ۱۱۷؛ از منابع اهل سنت: إحياء علوم الدين، جلد ۲، صفحه ۴۳.

۱۳۵ بین عایشه و رسول خدا ﷺ اختلافی رخ داد، تا اینکه ابوبکر به عنوان حاکم وارد شد. سپس رسول الله ﷺ به عایشه فرمودند: تو سخن می‌گویی، یا من سخن بگویم؟ عایشه گفت: شما سخن بگو، اما جز حق سخنی بر زبان نیاور! وقتی عایشه چنین سخنی گفت، ابوبکر آن چنان به دهان او کوبید که دهان او پراز خون شد و گفت: ای دشمن نفس خویش! آیا پیامبر خدا ﷺ غیر حق سخنی می‌گوید؟!

عایشه کسی است که باب شک و تردید را نه تنها در عصمت رسول الله ﷺ، بلکه در اساس نبوت ایشان ﷺ باز کرد؛ او می‌گوید:

«سمع رسول الله ﷺ رجلاً في المسجد يقرأ ليلاً، فقال: رحمه الله، لقد ذكرني كذا وكذا من آية أسقطتهن من سورة كذا وكذا»^(۱).

رسول خدا ﷺ شبانگاه شنیدند که مردی در مسجد، قرآن تلاوت می‌کند؛ پس فرمودند: خدا او را پیامرزد! چند آیه را به خاطر من آورد که از فلان سوره انداخته بودم.

یا در جای دیگری می‌گوید:

«سمع النبي ﷺ رجلاً يقرأ آية؛ فقال: رحمه الله، لقد أذكرني آية كنت نسيتها»^(۲).

۱. از منابع اهل سنت: مسند عائشة، صفحه ۸۱، با اندکی تفاوت در: صحیح بخاری، جلد ۶، صفحه ۱۱۱؛ صحیح مسلم، جلد ۲، صفحه ۱۹۰.
۲. از منابع اهل سنت: مسند احمد، جلد ۶، صفحه ۶۲؛ السنن الکبری، جلد ۳، صفحه ۱۲.

رسول خدا ﷺ شنیدند که مردی قرآن تلاوت می‌کند؛ پس فرمودند: خدا او را پیامرزد! آیه‌ای را به یاد من آورد که آن را فراموش کرده بودم.

پیامبری که عایشه به او معتقد است، پیامبری است که فراموش کار است و آیه قرآن را از آن حذف می‌کند.

طبق روایت دیگری که در منابع اهل سنت آمده است، رسول الله ﷺ سحر و جادو شدند، یعنی راه شیطان بر ایشان ﷺ باز شد.

« روي: أن لبید بن أعصم اليهودي سحر النبي ﷺ حتى كان يخيل إليه أنه يفعل الشيء ولا يفعله »^(۱).

روایت شده است: لبید بن أعصم یهودی^(۲)، رسول خدا ﷺ را سحر کرد به گونه‌ای که ایشان ﷺ خیال می‌کردند که کاری را انجام داده‌اند و حال آن که انجام نداده بودند.

حتی در روایت دیگری وارد شده است:

« لبث رسول الله ﷺ ستة أشهر، يرى أنه يأتي نساءه ولا يأتي »^(۳)!!!

مدت شش ماه، پیامبر ﷺ خیال می‌کردند که نزد همسران‌شان آمده‌اند و حال آنکه چنین کاری نکرده بودند.

۱. از منابع اهل سنت: تفسیر سمعانی، جلد ۱، صفحه ۱۱۶.

۲. او یهودی و از قبیله‌ی بنی زریق بود و به سحر و جادو معروف بود.

۳. ألف سؤال واشكال، جلد ۲، صفحه ۲۱۲؛ از منابع اهل سنت: أسباب نزول الآيات، صفحه ۳۱۰ (با کمی تفاوت).

این خزعبلات و اتهامات که اهل سنت به هم بافته‌اند و این‌گونه شخصیت و منزلت رسول گرامی اسلام ﷺ را پایین آورده‌اند، به هیچ وجه با آیات قرآن کریم سازگار نیست.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ﴾^(۱).

چرا که او (شیطان) بر کسانی که ایمان دارند و بر پروردگارشان توکل می‌کنند، تسلطی ندارد.

طبق این آیه شریف، شیطان بر مؤمن و بر متوکل به خداوند، احاطه و تسلط ندارد؛ آیا مؤمن و متوکلی بالاتر از پیامبر خدا ﷺ وجود دارد؟

﴿إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ﴾^(۲).

ما به یقین پیامبران خود و کسانی را که ایمان آورده‌اند، در زندگی دنیا (و در آخرت) روزی که گواهان به پامی خیزند یاری می‌دهیم.

تسلط شیطان بر پیامبر ﷺ و مسحور شدن ایشان ﷺ، با این آیه ی شریف و نصرت و یاری پیامبران الهی ﷺ، منافات دارد.

﴿وَمَا هُمْ بِضَآرِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ﴾^(۳).

۱. سوره نحل، آیه ۹۹.

۲. سوره غافر، آیه ۵۱.

۳. سوره بقره، آیه ۱۰۲.

ولی هیچ گاه نمی توانند بدون اجازه خداوند، به انسان زیبایی برسانند.

اجنه و شیاطین بدون اذن خداوند متعال نمی توانند به هیچ کس آزار برسانند، آیا خداوند متعال اجازه می دهد که آنها به پیامبرش ﷺ ضرری برسانند؟! قرآن مجید، در آیه ای دیگر می فرماید:

﴿فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ مَا آمَنْتُمْ بِهِ فَقَدْ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا هُمْ فِي شِقَاقٍ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾^(۱).

اگر آنها نیز به مانند آنچه شما ایمان آورده اید ایمان بیاورند، هدایت یافته اند؛ و اگر سرپیچی کنند، از حق جدا شده اند و خداوند، شر آنها را از تو دفع می کند و او شنونده و دانا است.

در این آیه - که مستحب است بعد از هر نماز، هفت مرتبه خوانده شود و دفع شرور می کند - خداوند متعال به پیامبرش ﷺ می فرماید: خدا تو را کفایت کرده و نگهداری می کند؛ بنابراین، علمای اهل سنت، مسحور شدن ایشان ﷺ را چگونه توضیح می دهند؟!

آیه ی دیگر، در همین موضوع، چنین است

﴿وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ﴾^(۲).

در راه ابلاغ حکم پروردگارت صبر و استقامت کن، چرا که تو در

۱. همان، آیه ۱۳۷.

۲. سوره طور، آیه ۴۸.

حفاظت کامل ما قرار داری و هنگامی که بر می خیزی ۱۳۵

پروردگارت را تسبیح و حمد گوی.

طبق این آیه شریف، پیامبر اسلام ﷺ در مقابل دیدگان الهی قرار داشته و با نظارت الهی محافظت می شود؛ به همین دلیل، سحر و جادو شدن ایشان ﷺ، سخنی نابخردانه، جاهلانه و مخالف آیات متعدد قرآن مجید خواهد بود.

این جعلیات و خزعبلات در کتب معتبره اهل سنت وارد شده است و راوی نهایی آنها، عایشه می باشد. او مطالب زشت و ناروایی را به رسول خدا ﷺ نسبت داده است که هر گوینده ای از بازگو کردن آنها شرم می کند. اما برای روشن شدن باطن خبیث و شیطانی معتقدان و راویان این روایات، باید آنها را بیان کرد که ان شاء الله در مجلس جداگانه ای به بیان آنها خواهیم پرداخت:

اینک به بیان یکی از این روایات می پردازیم:

مسروق^(۱) می گوید:

« دخلت علی عائشة وعندها رجل مكفوف وهي تقطع له الأترج
وتطعمه إياه بالعسل ، فقلت : من هذا يا أم المؤمنين ؟ فقالت : هذا ابن
أم مكتوم الذي عاتب الله تبارك وتعالى فيه نبيّه ﷺ ، قالت : أتى
النبي ﷺ ابن أم مكتوم وعنده عتبة وشيبة ، فأقبل رسول الله ﷺ
عليهما فنزلت : ﴿ عَبَسَ وَتَوَلَّى * أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى ﴾ (۲) » (۳).

۱. وی مسروق بن اجدع همدانی است و ادعی است که اهل کوفه و تابعی می باشد و نزد اهل سنت از ثقات محسوب می گردد (تهذیب الکمال، جلد ۲۷، صفحه ۴۵۶).

۲. سوره عبس، آیه ۱ و ۲.

۳. از منابع اهل سنت: مستدرک حاکم، جلد ۳، صفحه ۶۳۵؛ المعجم الأوسط، جلد ۹، صفحه ۱۵۵.

بر عایشه وارد شدم در حالی که مرد کوری نزد او بود و او لیمویی را برای آن مرد کور قطعه قطعه می‌کرد و با غسل به او می‌خوراند. گفتم: ای ام‌المومنین! این مرد کیست؟ پاسخ داد: او امّ مکتوم است که خداوند متعال به خاطر او پیامبرش ﷺ را سرزنش کرد. عایشه ادامه داد: ابن امّ مکتوم در حالی که عتبه و شیبه در خدمت رسول خدا ﷺ بودند، بر ایشان ﷺ وارد شد، رسول خدا ﷺ روی خود را به سوی آن دو نموده و از او روی گرداند؛ پس این آیه شریف نازل شد: «چهره در هم کشید و روی بر هم تافت* از اینکه نابینایی به سراغ او آمده بود».

در کتاب مؤتمر علماء بغداد^(۱) آمده است، که یکی از علمای مسیحی پرسشی کرد که علمای اهل سنت در پاسخ آن فرو ماندند. او پرسش خود را اینگونه مطرح نمود: ما معتقدیم که حضرت عیسیٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ کور و نابینای مادرزاد را شفا می‌داد، اما شما مسلمانان معتقدید که وقتی شخص کوری بر پیامبران صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وارد شد، از او روی برگرداند و به او توجهی نکرد. با وجود این اخلاق و رفتار، چگونه از ما می‌خواهید که از آیین مسیحیت دست برداریم و به دین اسلام ایمان بیاوریم. این‌ها جنایت‌ها و فجایعی است که در صدر اسلام اتفاق افتاد و عده‌ای تلاش نمودند تا از همان ابتدا، دین را بدنام نشان بدهند. فخر رازی در تفسیر این آیه شریف می‌گوید:

۱. این کتاب، کتاب کوچکی است که مناظره‌ها و گفتگوهای علمای شیعه و سنی و غیر آنها که در حضور ملک شاه سلجوقی و به حکمیت خواجه نظام الملک (وزیر مقتدر دولت سلجوقی)، انجام می‌شده در آن ثبت شده است.

« أجمع المفسرون على أن الذي عبس وتولى ، هو الرسول عليه الصلاة والسلام وأجمعوا على أن الأعمى هو ابن أم مكتوم »^(۱) .
 مفسران اجماع دارند بر اینکه کسی که چهره در هم کشید و روی بر هم تافت ، رسول خدا ﷺ می باشد و آن انسان کور و نابینا ، ابن امّ مکتوم بوده است .

فخررازی در کتاب دیگر خود ، از این سخن دست برداشته و می گوید :

« لا نسلم أن هذا الخطاب متوجه إلى النبي عليه الصلاة والسلام . لا يقال : إن أهل التفسير قالوا : الخطاب مع الرسول ﷺ ، لأننا نقول : هذه رواية الأحاد فلا تقبل في هذه المسألة ، ثم إنها معارضة بأمر ؛ الأول : أنه وصفه بالعبوس وليس هذا من صفات النبي ﷺ في قرآن ولا خبر مع الأعداء والمعاندين فضلاً عن المؤمنين والمسترشدين .
 الثاني : وصفه بأنه تصدى للأغنياء وتلهى عن الفقراء وذلك غير لائق بأخلاقه »^(۲) .

نمی پذیریم که این خطاب متوجه رسول اسلام ﷺ باشد و اگر گفته شود که اهل تفسیر گفته اند : این خطاب متوجه ایشان ﷺ است ، می گوئیم : این روایت از روایات آحاد^(۳) است و در این

۱ . تفسیر رازی ، جلد ۳۱ ، صفحه ۵۵ .

۲ . عصمة الأنبياء ، صفحه ۱۰۸ .

۳ . خبر آحاد به خبری گفته می شود که فقط یک نفر آن را نقل کرده است و طبعاً به حد مستفیض و متواتر نرسیده است .

مسأله مورد قبول و پذیرش نیست، علاوه بر اینکه معارض با اموری است؛ اول: اینکه پیامبر ﷺ را به عبوس توصیف کرده است و حال آنکه این صفت، از صفات ایشان ﷺ در قرآن و اخبار نمی‌باشد و ما نشنیده‌ایم که رسول خدا ﷺ حتی با دشمنان‌شان عبوس و بداخلاق باشند چه رسد به مؤمنان و مسلمانان.

دوم: اینکه ایشان ﷺ را توصیف کرده به اینکه با اغنیا و ثروتمندان رفت و آمد می‌کردند و از فقرا رو بر می‌گرداندند و این مطلب با اخلاق ایشان ﷺ نمی‌سازد.

نکته‌ی بسیار عجیب در سخن اخیر فخر رازی آن است که او، مطلبی را که بزرگان اهل سنت بر آن اجماع کرده‌اند، یعنی خطاب ﴿عَبَسَ وَتَوَلَّى﴾^(۱) را متوجه رسول گرامی اسلام ﷺ دانسته‌اند، از اخبار آحاد شمرده است. چنین جرأتی از فخر رازی عجیب و غیر منتظره است.

عایشه در نقل این واقعه، از یک طرف شخصیت پیامبر اسلام ﷺ را پایین آورده و می‌گوید که خداوند متعال به خاطر این رفتار و اخلاق، ایشان ﷺ را عتاب و سرزنش کرد؛ از سوی دیگر مقام خودش را بالا می‌برد و دلجویی و پذیرایی خود را از آن شخص نابینا (ابن امّ مکتوم) نشان می‌دهد.

نکته‌ی مهم دیگری که باید به آن اشاره نمود، این است که در حقیقت، این ماجرا میان عثمان و ابن امّ مکتوم اتفاق افتاده است، یعنی ابن امّ مکتوم بر عثمان

۱. سوره عبس، آیه ۱.

وارد شد و عثمان از او روی برگرداند و سپس این آیه نازل شد^(۱).

بنابراین، باید پرسید که چه ارتباط و پیوندی در آغاز کار میان عایشه و عثمان بوده است که عایشه این‌گونه در مقام تنزیه او برآمده و اصل داستان را تغییر داده است؟! هر چند در آخر مردم را به کشتن عثمان تهییج و تشویق می‌کرد^(۲).
مورد دیگری که فرضیه‌ی ما در مورد ارتباط میان عایشه و عثمان را پشتیبانی می‌کند، ماجرای ذیل است. عایشه می‌گوید:

«کان رسول الله ﷺ مضطجعاً فی بیتی کاشفاً عن فخذیه أو ساقیه ، فاستأذن أبوبکر ، فأذن له وهو علی تلك الحال ، فتحدّث ، ثم استأذن عمر ، فأذن له وهو كذلك ، فتحدّث ، ثم استأذن عثمان ، فجلس رسول الله ﷺ وسوی ثیابه . قال محمّد : ولا أقول ذلك فی یوم واحد . فدخل ؛ فتحدّث ، فلمّا خرج ، قالت عائشة : دخل أبوبکر فلم تهتث له ولم تباله ، ثمّ دخل عمر فلم تهتث ولم تباله ثمّ دخل عثمان فجلست وسویت ثیابک ؟ فقال ﷺ : ألا أستحیی من رجل تستحیی منه الملائکة»^(۳).

رسول خدا ﷺ در خانه من استراحت می‌کرد در حالی که لباس‌شان از روی ساق پا یا ران‌های‌شان کنار رفته بود، پس

۱. تفسیر نورالتقلین، جلد ۵، صفحه ۵۰۸؛ تفسیر صافی، جلد ۵، صفحه ۲۸۴.

۲. بحار الأنوار، جلد ۳۱، صفحه ۲۹۶؛ از منابع اهل سنت: شرح نهج البلاغه ابي بن الحديد، جلد ۶، صفحه ۲۱۵؛ المحصول، جلد ۴، صفحه ۳۴۳.

۳. از منابع اهل سنت: صحیح مسلم، جلد ۷، صفحه ۱۱۶؛ السنن الكبرى، جلد ۲، صفحه ۲۳۱؛ ۲۱ کنز العمال، جلد ۱۳، صفحه ۴۹.

ابوبکر اجازه ورود گرفت، ایشان صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به او اجازه دادند در حالی که به آن صورت بودند، با حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سخن گفت؛ سپس عمر اجازه ورود گرفت و آن حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به او هم اجازه دادند و در همان حال بودند او هم با ایشان صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سخن گفت: سپس عثمان اجازه ورود گرفت، پس رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نشستند و لباس های شان را مرتب نمودند (راوی می گوید این قضیه در یک روز اتفاق نیافتاده است) پس عثمان داخل شد و سخن گفت. بعد از خروج عثمان، عایشه از محضر ایشان صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سؤال کرد: ابوبکر و عمر وارد شدند، هیچ اعتنا و توجهی نکردید و با همان حالت خوابیده با آنها سخن گفتید، چه شد که وقتی عثمان وارد شد، نشستید و لباس های تان را مرتب کردید؟ ایشان صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: آیا از کسی که ملایکه و فرشتگان از او حیا می کنند، حیا نکنم؟

ناگفته پیداست که عایشه با جعل روایت، پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، پدرش و عمر را پایین می آورد تا عثمان را ترفیع داده و بالا ببرد. این ها واقعیاتی است که ضرورت ایجاب می کند گفته شود.

متأسفانه اهل سنت از عایشه و حفصه شخصیت هایی ساخته اند که کسی جرأت هیچ گونه انتقادی نسبت به آنها ندارد. آنها از همه همسران پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به غیر از حضرت خدیجه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا به نیکی یاد می کنند، به گونه ای که طبق اخبار مستندی که در دست است، اداره ی ثبت احوال کشور عربستان، نام «خدیجه» را برای متولدین دختر این کشور به ثبت نمی رساند.

بحث در آیه ی تطهیر در اینجا به پایان می‌رسد و ان شاء الله اگر مطلبی باقی مانده باشد، در جلسه‌ی بعد به بیان آن خواهیم پرداخت.

مروری بر مباحث گذشته

به یاری خداوند متعال، چندین جلسه به طور مفصل پیرامون این آیه ی شریف، سخن گفته و گفتیم که عصمت از مقوله‌ی علم است و این علم، جز خمسه طیبه عَلَيْهِ السَّلَام، زینده هیچ کس دیگری نیست.

نکته دیگری که به آن اشاره شد، این بود که روایات به صورت تواتر و بلکه به تعبیر بعضی از محدثین، فوق حدّ تواتر، بر اختصاص این آیه به خمسه طیبه عَلَيْهِ السَّلَام، دلالت می‌کند و حتی ام سلمه عَلَيْهَا السَّلَام که این آیه در خانه‌ی وی نازل شد، هنگامی که از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درخواست کرد تا در زیر کساء قرار بگیرد، با جواب منفی آن حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رو به رو شد. ایشان صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در جواب ام سلمه عَلَيْهَا السَّلَام فرمودند:

«أَنْتِ عَلِي مَكَانِكِ وَأَنْتِ عَلِي خَيْرٍ»^(۱).

تو در جای خودت باش و تو سرانجام خوبی خواهی داشت.

همچنین گفته شد، اگر آیه‌ی تطهیر تمام بستگان و همسران رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را شامل شود، به طور حتم «عایشه و حفصه» را که به تصریح قرآن کریم دل‌های‌شان منحرف شد، شامل نمی‌شود^(۲).

۱. بحار الأنوار، جلد ۳۵، صفحه ۲۲۷؛ از منابع اهل سنت: سنن ترمذی، جلد ۵، صفحه ۳۱؛

شواهد التنزیل، جلد ۲، پاورقی صفحه ۱۲۰؛ تفسیر قرطبی، جلد ۱۴، صفحه ۱۸۳.

۲. ر.ک: به سوی معرفت جزوه‌ی شماره ۱۳۴.

خداوند متعال می فرماید :

﴿إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا﴾^(۱) .

اگر شما (همسران پیامبر ﷺ) از کار خود توبه کنید (به نفع شماست ، زیرا) دلهایتان از حق منحرف گشته است .
این مطلب را گوشزد نمودیم که در هیچ جای قرآن و حتی روایات خود اهل سنت نیامده است که این دو بعد از نزول این آیه توبه کرده باشند .

انتقاد از وضع موجود جامعه

هر چند عایشه سعی می کرد نزول آیه ﴿عَبَسَ وَتَوَلَّى﴾^(۲) را در مورد رسول اکرم ﷺ قلمداد و ایشان ﷺ را انسان بد اخلاق و کج اندیشی معرفی کند ، ولی واقعیت غیر از این است .

خداوند متعال می فرماید :

﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾^(۳) .

و تو اخلاق عظیم و برجسته ای داری .

عظمت خلق و خوی ایشان ﷺ به حدی است که خدای تبارک و تعالی آن را می ستاید . علاوه بر این ، به تصریح روایات اهل سنت ، آن حضرت ﷺ با صدای بلند سخن نمی گفتند ، بد زبان و بدگو نبودند ، فحش نمی دادند و دیگران را مسخره نمی کردند^(۴) .

۱. سوره تحریم ، آیه ۴ .

۲. سوره عبس ، آیه ۱ .

۳. سوره قلم ، آیه ۴ .

۴. از منابع اهل سنت : مسند أحمد ، جلد ۶ ، صفحه ۹۱ ؛ سنن ابن ماجه ، جلد ۲ ، صفحه ۷۸۲ ؛ مستدرک حاکم ، جلد ۲ ، صفحه ۴۹۹ .

۱۳۵ خلق و خو و منش پیامبر اسلام ﷺ برای تمامی مسلمانان درس است. ولی واقعاً باید دید که تخلّق به اخلاق آن حضرت ﷺ، چه مقدار در جامعه‌ی امروز نهادینه شده است. ما در هنگام عصبانیت - به جا باشد یا نه - چه اندازه بر نفس مان کنترل داریم که بدزبانی و بدگویی نکنیم.

متأسفانه جامعه‌ی امروز، دچار فقر اخلاقی شده و به سمتی می‌رود که آرام آرام معیارهای اخلاقی در آن در حال تضعیف است. رذایل اخلاقی مانند دروغ‌گویی، تهمت زدن، افتراء بستن، سوء ظن به دیگران و... نه تنها در میان عوام، بلکه در میان خواص در حال افزایش است و این خطری جدی است که جامعه را تهدید می‌کند. ما باید همان گونه که در دعای تحویل سال می‌خوانیم: «یا مقلب القلوب والأبصار، یا مدبّر اللیل والنهار، یا محوّل الحول والأحوال، حوّل حالنا إلى أحسن الحال»؛ از خداوند متعال بخواهیم که همان‌گونه که سال‌ها و حال و احوال انسان‌ها را متحول می‌کند، در جامعه‌ی ما هم تحول صحیح اخلاقی ایجاد کند.

چرا باید در جامعه ما، افراد به محض کوچکترین اختلاف و برخوردی، با الفاظ رکیک و زشت با هم سخن بگویند؟ در کجای دین وارد شده که به کار بردن این گونه الفاظ مجاز است؟! طبق تمام رساله‌های عملیه، به کار بردن الفاظ زشت، حتی اگر به کسی گفته نشود و در خلوت و تنهایی به کار گرفته شود، یا به طفل و یا کافر گفته شود، حرام است.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ

عِلْمٍ﴾^(۱).

(به معبود) کسانی که غیر خدا را می خوانند دشنام ندهید، مبادا

آنها (نیز) از روی (ظلم و) جهل، خدا را دشنام دهند.

قرآن کریم حتی از سب و بدگویی به بت‌ها نهی می‌کند ولی متأسفانه امروز، در ملأ عام به بزرگان توهین می‌شود. این نهایت سقوط و انحطاط اخلاقی است که از حوزه‌ی قم تا بقیه‌ی حوزه‌ها شیوع پیدا کرده است.

آیا بدگویی کردن و فحش دادن به انسانی ضعیف، هنر است؟! مگر چقدر دنیا ارزش دارد که بتوان دین خود را به دنیا فروخت و به مؤمنان اهانت روا داشت؟!!

ما داعیه‌ی وحدت با کسانی را داریم که می‌دانیم توحیدشان باطل است، در اصلی‌ترین کتب مذهب‌شان نبوت رسول الله ﷺ مورد تردید قرار گرفته و در آن شک دارند، اصل امامت و عصمت را قبول ندارند، سخن خلفای‌شان را بر سخن رسول خدا ﷺ مقدم می‌دانند، ولی با خودمان نمی‌توانیم وحدت و مسالمت داشته باشیم.

این چه رویه‌ای است که در جامعه‌ی امروز رواج پیدا کرده که افراد مسلمان و مؤمن واقعی، معتقد به رسول الله ﷺ و ولایت اهل بیت علیهم‌السلام، کسانی که اهل شرکت در مجالس عزای معصومین علیهم‌السلام و مقید به انجام وظایف و فرایض شرعیه هستند، مورد تهمت و بدزبانی قرار می‌گیرند و حتی به نوامیس‌شان تعدی لفظی می‌شود.

با این وجود، درخواست‌مان این است که خدا ما را دوست داشته باشد و از ما نگهداری و محافظت کند. این روش‌ها، روش‌های مخاطره‌آمیزی است که حتی رهبر انقلاب نیز به آن توجه داشته و از آن نهی کرده است.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ به نقل از جبرئیل می فرمایند که خدای تبارک و ۱۳۵

تعالی می فرماید :

« من أهان ولياً ، فقد بارزني بالمحاربة »^(۱) .

هر کس به مؤمنی اهانت کند ، با من به جنگ برخاسته است .

همچنین حضرت امام صادق عليه السلام می فرماید :

« من أعان علي مؤمن بشطر كلمة ، لقي الله عز وجل يوم القيامة

مكتوب بين عينيه آيس من رحمتي »^(۲) .

هر که با نیم کلمه بر ضرر مؤمنی کمک کند ، روز قیامت خداوند را

ملاقات می کند در حالی که بین دو چشم او نوشته شده : نا امید

است از رحمت من .

فردی که با گفتارش مؤمنی را آزار دهد ، از رحمت خدا به دور است ؛ خدایی که

در دعای جوشن کبیر در وصفش چنین می خوانیم :

« يا مَنْ وَسِعَتْ كُلُّ شَيْءٍ رَحْمَتُهُ »^(۳) .

ای کسی که رحمت اش هر چیزی را شامل می شود .

با کنار هم قرار دادن فرمایش حضرت امام صادق عليه السلام و فراز مذکور از دعای

جوشن کبیر ، روشن می شود که فردی با خصوصیت گفتار علیه مؤمنان ، از دایره ی

شیئیت خارج شده و دیگر هیچ چیز به حساب نمی آید ، لذا رحمت خدا شامل حال

او نمی گردد .

۱. علل الشرایع ، جلد ۱ ، صفحه ۱۲ ، مستدرک الوسائل ، جلد ۴ ، صفحه ۱۰۳ .

۲. بحار الأنوار ، جلد ۷۲ ، صفحه ۱۴۸ ؛ کافی ، جلد ۲ ، صفحه ۳۶۸ ؛ من لایحضره الفقیه ، جلد ۴ ،

صفحه ۹۴ .

۳. مفاتیح الجنان ، دعای جوشن کبیر .

این سخنان، سخنان دین است که همه ما در هر کجا و منصبی که هستیم، باید به یکدیگر تذکر دهیم و هیچ تغییر و تبدیلی در دین الهی راه ندارد. زراره می‌گوید از حضرت امام صادق علیه السلام در مورد حلال و حرام سؤال کردم، ایشان علیه السلام فرمودند:

« حلال محمد صلی الله علیه و آله و سلم حلال ابدأً إلى یوم القیامة و حرامه حرام ابدأً إلى یوم القیامة »^(۱).

حلال محمد صلی الله علیه و آله و سلم حلال است تا روز قیامت و حرام ایشان صلی الله علیه و آله و سلم نیز حرام است تا روز قیامت.

ما باید به اصول و ارزش‌های اخلاقی پای‌بند باشیم؛ نه آن‌که با فروختن دین خود، زمینه‌ی به قدرت رسیدن دیگران را فراهم کنیم. قدرت امری سیال و گذرا است که در هر دوره‌ای، در دست فرد یا افرادی بوده و بعد از دست آنها خارج می‌شود و به افرادی دیگر می‌رسد.

ارزش‌ها و اصول اخلاقی در تمام جوامع و در میان تمام انسان‌ها، گرچه مسلمان هم نباشند، دارای حرمت و احترام است.

حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرمایند:

« لو کُنَّا لَنرْجُو جَنَّةً و لَنرْجُو ناراً و لَنرْجُو اَولاداً و لَنرْجُو اَولاداً ، لَکَانَ یَنبَغِی لَنَا أَنْ نَطْلُبَ مَکَارِمَ الْأَخْلَاقِ ، فَاِنَّهَا مِمَّا تَدُلُّ عَلَی سَبِیلِ النِّجَاحِ »^(۲).

اگر ما به بهشت امید نداشته باشیم و نه از آتش جهنم و نه از ثواب

۱. کافی، جلد ۱، صفحه ۵۸.

۲. مستدرک الوسائل، جلد ۱۱، صفحه ۱۹۳؛ جامع احادیث الشیعه، جلد ۱۴، صفحه ۲۱۰.

۱۳۵ و نه از عقاب بترسیم، برای مان سزاوار است که خوبی های اخلاق را به دست آوریم، چرا که مکارم اخلاق به راه پیروزی راهنمایی می کند.

بنابراین حتی اگر اعتقادی به خدا و پیامبر ﷺ و بهشت و جهنم هم نداشته باشیم، باید مکارم اخلاق را در وجود خودمان تقویت کنیم. سعادت دنیا و آخرت در گرو اخلاق نیک است، بد اخلاقی جامعه را به ابتذال و سقوط می کشاند. چرا اساتید اخلاق در حوزه های علمیه، گرفتار این بد اخلاقی ها شده اند؟

ان شاء الله خداوند متعال به همه ما توفیق بدهد سیئات اخلاقی را از خود دور کنیم و ملتزم به موازین اخلاقی شویم. اگر از هم غیبت و بدگویی کرده یا تهمت زده ایم، یک دیگر را حلال کنیم و اگر امیدواریم خدا ما را مورد مغفرت و آمرزش قرار بدهد، ما هم بردارن و خواهران ایمانی را ببخشیم.

« السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ »

خودآزمایی

- ۱ رسول خدا ﷺ چگونه به خشم یا رضایت عایشه پی می‌بردند؟
- ۲ عایشه شأن نزول آیه ﴿عَبَسَ وَتَوَلَّى﴾ را در مورد چه کسی می‌داند؟
- ۳ بنابر روایات شیعه، شأن نزول این آیه در مورد چه کسی است؟
- ۴ چرا فخر رازی در کتاب عصمة الانبياء خطاب ﴿عَبَسَ وَتَوَلَّى﴾ را متوجه رسول اکرم ﷺ نمی‌داند؟
- ۵ اگر خطاب «عبس و تولى» شامل رسول الله ﷺ شود معارض با چه اموری است؟
- ۶ عکس‌العمل عایشه در مورد هبه زنان، خودشان را به رسول خدا ﷺ چه بود؟
- ۷ قرطبی چگونه تقبیح و سرزنش حکم خدا و عمل رسول خدا ﷺ را از سوی عایشه توجیه می‌کند؟
- ۸ تناقض موجود در میان سخنان قرطبی در توجیه عمل عایشه کدام است؟
- ۹ چه کسی اساس شک و تردید در عصمت و بلکه نبوت رسول گرامی اسلام ﷺ را پایه ریزی کرد؟
- ۱۰ پیوند میان عایشه و عثمان، عایشه را به سوی انجام چه کارهایی سوق داد؟
- ۱۱ عاقبت ارتباط میان عایشه و عثمان چه بود؟
- ۱۲ نمونه‌ای از عقوبت کسانی که با گفتارشان به مؤمنان ضرر می‌رسانند را بیان کنید.

انسان مسلمان حتی اگر در مراتب پایین ایمان جای
داشته باشد و حضور پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و
معصوم عَلَيْهِ السَّلَام راهم درک نکرده باشد، به خود
اجازه نمی دهد از خدا و رسول اش صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و او امر
و دستورات ایشان صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خشمگین و غضبناک
شود. نتیجه آن می شود که عایشه، که در حضور
منبع سرشار روحی بوده، از این فرصت بهره نچسته
و شخصیت و جایگاه عظیم پیامبر گرامی
اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را آن گونه که باید نشناخته است؛
زیرا او به خودش اجازه می دهد از احکام الهی
ناراحت و ناخرسند باشد!

(صفحه ۱۱ از همین جزوه)

- محل عرضه CD جلسات به سوی معرفت :
ابتدای خیابان امام، جنب قائمیه، فروشگاه آوای مهر.
- شماره سیستم پیام کوتاه (SMS) ۳۰۰۰۷۲۲۷۰۸ می باشد.
- در صورت تمایل به دریافت پیام کوتاه جلسات، شماره تلفن
همراه خود یا دوستانتان را با نام به سیستم ارسال کنید.

محل برگزاری جلسات :

کاشان: حسینیه مرحوم آیت الله یثربی رحمته الله علیه

تلفن: ۴۴۴۴۳۴۳-۴۴۴۵۲۷۷-۴۴۴۹۹۳۳

پست الکترونیک: info@yasrebi.ir

www.yasrebi.ir